چکیده مقاله :

دیدگاه های مختلفی در مورد شیوه مدیریت مدارس وجود دارد عده ای از مدیران مدارس ریشه بسیاری از مشکلات و راه حل های مدارس را در منابع مالی ، فیزیکی و بودجه آن می دانند این افراد بیشترین توجه خود را به ورودی های سیستم مدرسه معطوف می دارند عده ای دیگری اعلام می دارند که اگرچه توجه به منابع موجود در ورودی های سیستم ازاهمیت بالایی برخوردار است اما باید به فرایند سیستم توجه بیشتری معطوف داشت آن ها در فرایند سیستم به محتوی ، روش ها ، چگونگی تدریس ، نحوه ی مدیریت و ارزشیابی تاکید می نمایند.

در مدیریت کیفیت جامع که خود محصول مدیریت فرایند مداراست تلاش می کند برنامه ریزی استراتژیک را وارد رفتار روزانه مدارس کند در این روش که به مشارکت همه کارکنان تاکید می ورزد روش ها، ابزار و مدل های مناسبی برای بهبود بخشیدن به کیفیت کار مدرسه به مدیران و کارکنان ارائه می دهد که لازم است مدیران و کارکنان با آموزش این شیوه ها تغییرات عمده ای را در روشهای کاری خود به وجود آورند و همزمان با این تغییرات برنامه ریزی مناسبی را معمول واجرا نمایند .

در این مقاله ضمن تاکید به مدیریت فرایند مدار و ارائه تعریفی از مدیریت کیفیت جامع راه کارهایی را برای دستیابی مدیریت به این شیوه ارائه داده است .

مقدمه :

از بررسی و مطالعه ی آثار گذشتگان روشن می شود که مدیریت از قدیم الایام در جوامع مختلف بشری وجودداشته است و بزرگان ورهبران ملل وادیان مختلف ضرورت وجود مدیریت ورهبری را نیز یک امر مسلم شمرده اند در قرون اخیر هم نهضت های مختلفی در امر مدیریت ظهور کردند که می توان به نظریه مدیریت علمی نظریه مدیریت نهضت روابط انسانی نظریه سیستم ها در مدیریت ونظریه ترکیبی مدیریت اشاره کرد.

از آغاز کار تعلیم و تربیت انسان نیز از روش های مختلف مدیریت در امر آموزش بهره برده است اما از آنجایی که تحولات اجتماعی جدید تغییراتی را در ابعاد مختلف جامعه از جمله در زمینه های مختلف فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی ایجاد کرده خود به خود نیازهای جدیدی راهم بوجود آورده است لذا برای پاسخگویی به این نیازهای جدید افراد جامعه تغییر و دگرگونی در روش های مدیریت مدارس وتلاش برای بهبود بخشیدن به کیفیت مدیریت مدارس ضروری است .

امروزه در این دنیای درحال تغییر و پیشرفت ، مدارس نیاز به تغییر ودگرگونی دارند واین تغییر باید ابتدا در مدیریت ایجاد شود چرا که واقعیات امروز جامعه را نمی توان با روش های دیروز فهمید بلکه باید با تجدید نظر در روش ها وبرنامه های گذشته نظریه ها و روش های نوینی را جایگزین کنیم در حال حاضر مدیریت آموزشی رویکرد جدید فرآیند مدار محور را برای اثر بخش کردن مدارس آغاز نموده است در این مقاله برآنیم تا این رویکرد جدیدرا روشن و راهبردهای مناسب آن را بیان نماییم .

تعریف ومفهوم مدیریت :

با رشد و پیشرفت جامعه انسانی ، سازمان هایی به وجود آمده است که افراد هر سازمان برای دست یافتن به هدف های آن فعالیت می کنند و می دانیم تامین هدف های یک سازمان بدون طرح وتنظیم برنامه های دقیق، ایجاد تشکیلات منظم و هماهنگ ورهبری وکنترل فعالیت های دسته جمعی افراد میسر نیست بنابراین می توان مدیریت را علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری وکنترل فعالیت های دسته جمعی به منظور تامین هدف یا هدف های مشترک خاصی تعریف نمود. علمای علم مدیریت تعاریف متعددی از مدیریت بیان کرده اند که به چند تعریف اشاره می شود .

مدیریت یعنی گردآوری اطلاعات و تنظیم آن ها در جهت انجام کارهای سازمانی یا مدیریت عبارت است از هماهنگی منابع انسانی و مادی ، در جهت دست یافتن به هدف های سازمان و در تعریف دیگر مدیریت یعنی به وجود آوردن یا تامین یک محیط مناسب ، برای افراد سازمانی درجهت هدف های سازمان می باشد .

در مدیریت کمال مطلوب این است که بالاترین بهره از کار گرفته شود و این امر به زور امکان نخواهد داشت زیرا وفاداری ، علاقه به کار و ابتکار عمل را بازور نمی توان در افراد ایجاد کرد بطور خلاصه باید گفت مدیران موسسات مدرن امروزی با داشتن آخرین اطلاعات و تکنولوژی وقتی با انسان ها سروکار پیدا می کنند باید در درجه نخست به نیازهای آنان توجه داشته باشند تا بتوانند از ابتکار عمل آنان در بالا بردن سطح کارآیی وافزایش بازده کار موسسات استفاده کنند .

وظایف مدیر آموزشی

هدف اصلی مدیریت آموزشی تسهیل و پیشبرد امر آموزش و یادگیری است که برای رسیدن به این هدف مدیران آموزشی باید وظایف زیر را انجام دهند.

الف - وظایف عمومی

برنامه ریزی عبارت است از تعیین اهداف وتدارک فعالیتها ، امکانات ووسایل برای تحقق اهداف لذا داشتن طرح وبرنامه کار هفتگی ، ماهانه وسالانه از وظایف مهم یک مدیر موفق آموزشی است.

سازماندهی : فرا گرد سازماندهی یعنی جریان نظم وترتیب دادن به کار وفعالیت ، تقسیم و تکلیف آن به افراد به منظور انجام دادن کار وتحقق هدفهای معینی می باشد . مدیر آموزشی بدین منظور باید هماهنگی های لازم را بین افراد و واحدهای مختلف به وجود آورد .

هدایت و رهبری : رهبری در مدیریت ، فراگرد اثر گذاری ونفوذ در رفتاراعضای سازمان برای یاری وهدایت آنها در ایفای وظایفشان است .لذا یک مدیر مدرسه باید قبل ازهرچیز یک رهبر آموزشی باشد چرا که رهبر آموزشی با برقراری ارتباط متقابل با کارکنان انگیزه کار و فعالیت را در آن ها به وجودمی آورد وهمواره مشکلات وکشمکش های آنها را حل می نماید .

نظارت و کنترل : نظارت و کنترل فراگرد ارزشیابی عملکرد فردی وسازمانی است برای آن که معلوم شود آیا هدفهای سازمان تحقق پیدا کرده یا نه . یک مدیر خوب ابتدا ملاکها وروشهای سنجش عملکرد را تعیین می کند وآنگاه برعملکردها نظارت وآنهارا اندازه گیری می کند ودر ادامه نتایج حاصله را مقایسه ودر پایان برای تصحیح عملکرد ها اقدام می نماید .

- یکی دیگر از وظایف عمومی مدیر آموزشی برقراری ارتباط مناسب با افراد سازمان است که می بایست ضمن روشن نمودن هدف ومنظور پیام پیامهارا بدون ابهام ارسال نماید وهمواره قابلیت پذیرش ومیزان اثرگذاری آن را از سوی مخاطبان مورد بررسی قرار دهد .

2- وظایف خاص

برنامه آموزشی و تدریس

: مهمترین وظیفه مدیران آموزشی هدایت جریان آموزش ویادگیری به ویژه تسهیل جریان رشد وپرورش دانش آموزان است مدیران مدارس اگر برنامه هایشان را باروشن بینی اجرا نمایند و هدف های خود را بصورت قابل فهم وعملی طرح نمایند می توانند بازده آموزشی مدارس را بهبود بخشند لذا تعریف دقیق هدفهای کلی نظام آموزشی بصورت معنی دار ، تقسیم هدفهای کلی به هدف های فرعی ، تبدلی هدف ها به هدف های عملی در کلاس به کمک معلمان ، بالا بردن روحیه کارکنان و... می تواند تغییرات چشمگیری را در بازده کار معلمان و دانش آموزان ایجاد کند علاوه براین مدیر آموزشی می بایست با ارزشیابی مستمر تدریس وفعالیت های آموزشی مدرسه میزان اثر بخشی وکارایی معلمان ومیزان تحقق هدف های آموزشی را مشخص ودر زمان های معینی از تغییر و تجدید نظر در برنامه آموزشی مدرسه استفاده کند .

یکی دیگر از وظایف مدیران آموزشی توجه به امور دانش آموزان است مدیر مدرسه هم وظیفه ارائه خدمات اداری وسرپرستی امور دانش آموزان را به عهده دارد وهم وظیفه شناسایی توانایی ها ، علایق و نیازها و پرورش آن ها را عهده دار می باشد .

امور کارکنان : مدیران آموزشی با بهره گیری از شایستگی های فردی و تخصصی معلمان وراهنمایان تعلیماتی می توانند به پیشرفت فعالیت های آموزشی وبررسی وافزایش بازده مدارس کمک کنند .

یکی دیگر از وظایف مدیران برقراری ارتباط موثر میان مدرسه واجتماع است هدف از ایجاد این رابطه ، ایجاد اعتماد متقابل ازطریق اطلاع رسانی به مردم درباره ی وضعیت کار مدارس است تا بدین وسیله حمایت آنان را برای حل وفصل مشکلات گوناگون مدارس جلب نمایند مردم باکسب آگاهی بیشتر از اهمیت آموزش وپرورش به مشارکت در سرنوشت آموزشی وتربیتی فرزندان خود تشویق می شوند مدرسه هم متقابلا" از نظرات ونیازهای مردم واجتماع مطلع می شود لذا تشکیل انجمن های اولیا ومربیان ، تشکیل شوراهای آموزشی محلی ، برقراری ارتباط با موسسات فرهنگی دینی ، اجتماعی و... ازاهمیت بسزایی برخوردار است .

یکی دیگر از وظایف مدیران آموزشی تهیه و تدارک امکانات، تسهیلات و تجهیزات ویژه است دراین زمینه می توان به ساختمان و تاسیسات مدرسه ، زمین بازی و ورزش ، آزمایشگاه ، کتابخانه و وسایل وابزار کمک آموزشی ، میز و نیمکت - وسایل آموزشی - بهداشتی وورزشی ، تعمیر و نگهداری ساختمان و تاسیسات حرارتی وتهویه وتامین امکانات آب ، برق ، گاز ، تلفن و.... اشاره کرد .

امور مالی واداری : ارائه خدمات آموزشی وفعالیتهای مدرسه منوط به اداره موثر امور وتامین منابع مالی وبودجه است بنابراین اداره موثر امور گوناگون مدرسه ، ثبت نام ، تقسیم کار باتوجه به شرح وظایف کارکنان ابلاغ آیین نامه ها ، بخشنامه ها ودستورالعمل ها ، نظارت بردفاتر و مدارک مدرسه ونگهداری از آنها ، تامین منابع مالی مدرسه چه از طریق دولتی یا مردمی نیز از وظایف مدیران به شمار می رود .

اجزا سیستم مدرسه

اجزا سیستم یک واحد آموزشی به چهار قسمت زیر تقسیم می شود

1- ورودی های سیستم مدرسه

2- فرایندهای مدرسه

3- خروجی های سیستم مدرسه

4- بازخورد

ورودی های سیستم مدرسه عبارتند از دانش آموزان ، معلمان ، منابع فیزیک ، منابع مالی ، دانش نظری وعلمی فنی و پژوهشی

فرایند های مدرسه عبارتند از : تدریس ، مدیریت ، ارزشیابی ، محتوا و روش ها به سخن دیگر آنچه در حد فاصل ورود دانش آموزان به مدرسه تا خروج آنان در پایان سال تحصیلی اتفاق می افتد واز آنها فرد مورد نظر ومعطوف به هدف را می سازد فرایند نامیده می شود .

خروجی های سیستم مدرسه هم همان دانش آموختگان وفارغ التحصیلان هستند .

مثلا" دانش آموزان به عنوان ورودی های سیستم ، تحت آموزش قرار گرفته ودر مسیر وجریان یاددهی - یادگیری ،تغییر رفتار داده ودر پایان سال تحصیلی به مرتبه و قابلیت هایی می رسند( خروجی )

منظور از بازخورد رابطه ای است که بین برونداد، درونداد وفرایند، باعملیات سیستم برقرار می گردد تا براساس مقتضیات محیطی ونیازها به کار سیستم اصلاح گردیده وآن را در تعادل نگهدارد.

دیدگاه های موجود در مدیریت آموزشی

باتوجه به بررسی ومطالعه شیوه های مدیریت ودیدگاههای مدیران آموزشی نسبت به حل مشکلات ومعضلات واداره مدرسه به دودیدگاه مهم در زیر اشاره می شود:

الف – برخی مدیران مدارس ریشه بسیاری از مشکلات و نیز راه حل ها را در ورودی های سیستم مدرسه می جویند آنها معتقدند که اگر ظرفیت های ورودی مدرسه ازقبیل منابع مالی ، فیزیک وپول افزایش یابد می توان همه ی تنگناها ومشکلات مدرسه راحل کرد دراین نگاه سنتی مدیریت کار وقتی خوب انجام شده که درصد قبولی از بالاترین میزان برخوردار باشد اغلب مدیران ومعلمان هم دانش آموزان را افرادی بی انگیزه وناتوان از شناخت نیازهایشان می دانند دانش آموزان هم تصور می کنند کارشان فقط حفظ مفاهیم کتابها و آوردن نمره قبولی است .

ب- دسته دوم براین باورند که گرچه توجه به منابع موجود ومورد انتظار در ورودی های سیستم مدرسه حایز اهمیت وتاثیر بسیار است اما باتمرکز در فرآیند سیستم مدرسه وبهبود ارتقای مستمر فرایند ها همراه با تعیین استراتژی ها وراهکارهای مرتبط می توان بسیاری از حفره های آشکار و پنهان راحتی در ورودی های سیستم مدرسه بهبود بخشد و برطرف کرد .

در مدیریت فرایند محورهمه ی تلاش وهدف مدرسه ومدیر معطوف به رضایت دانش آموزان وتوسعه ی یادگیری است وتاوقتی رضایت دانش آموزان ومعلمان حاصل نشده باشد در مدرسه کاری انجام نگرفته است دراین شیوه مدیریت دانش آموزان ار باب وسرور هستند.

مدیریت کیفیت جامع

قبل از اینکه مدیریت کیفیت جامع را تعریف کنیم لازم است بدانیم مدارس کیفی جامع چیست ؟

مدارس کیفی جامع محصول مدیریت فرایند مدار ومدیریت کیفیت جامع است دراین مدارس بین همه کارکنان ازجمله معلمان و دانش آموزان ارتباط مطلوبی برقرار است به معلمان ، دانش آموزان ، خانواده ها وکارکنان قدرت می دهند تا فرصت را برای توسعه ی کیفیت در مدرسه درک کرده وبا ابزارهای مدیریت موجبات توسعه مدارس را فراهم آورند دراین مدارس همه کارکنان درغنی سازی وارتقای کیفیت مدرسه مشارکت دارند بهسازی همه ی عناصر وعوامل مدرسه ازجمله برنامه های درسی ، آموزشی ، امور پرورشی ، فوق برنامه ، منابع انسانی ارتباط با والدین وروش های ارزشیابی ، اصول ناظر بر مدارس کیفی جامع است .

مدیریت این مدارس فرایند مداراست وتلاش می کند برنامه ریزی استراتژیک را وارد رفتار روزانه مدارس کند این مدارس به رهبران ومدیران اثر بخش نیاز دارند مدیرانی که آینده گرا بوده و دیدگاه های آینده را بررسی کرده وایده هایی را برای تغییر پیشنهاد کنند پذیرای ایده های جدید بوده وبرای دیگران بویژه دانش آموزان ومعلمان امید وخوش بینی ونشاط فراهم کنند.

حال می توان گفت که مدیریت کیفیت جامع یک نظریه نیست بلکه یک حرکت ونهضت همگانی است، یک راه صحیح کار است که همه افراد بایددر این نهضت مشارکت کنند در واقع مدیریت کیفیت جامع ، روش مدیریت گروهی انجام دادن کار برای بهبود مداوم کیفیت وبهره وری قابلیت ها واستعداد های مدیریت ونیروی انسانی کار است.

توجه به نیازها

پاسخ به نیازها و انتظارات دانش آموزان یکی از مسائل مهم و جدی است که باید در مدیریت مدرسه به آن توجه شود چرا که یکی از بهترین راه ها برای کسب توفیق پایدار در زمینه ی تعلیم وتربیت ، پاسخ به انتظارات ونیازهای دانش آموزان است دانش آموزان نیازهای متفاوتی دارند ولی اکثر آنها نیازمند کیفیت یادگیری هستند عده ای از آنها مایلندمدرسه ای شاد داشته باشند وجمعی دیگر علاقمندند که از تکنولوژی روز در آموزش برخوردار شوند وتعدادی دیگر به ارتقای فردی خود می اندیشند اما همه ی آن ها می خواهند مدرسه ای باکیفیت وبانشاط داشته باشند ویادگیری عمیق را بهبود بخشند .

متمرکز شدن برخواسته های دانش آموزان باعث ایجادرضایت در دانش آموزان شده وکارکرد مدرسه مفید ویادگیری دانش آموز را عمیق وموثر می سازد مدیریت فرایند محور بر دانش آموز تمرکزدارد واین کمک می کند تا مدیر مدرسه در کارهای خود مطابق اهداف برنامه ریزی شده پیش رود واز حاشیه روی پرهیز نماید وهمیشه منافع دانش آموز را موردتوجه قرار دهد .

ارتقای مستمر کیفیت

در مدیریت کیفیت جامع فقط به تعیین اهداف در برنامه های آموزشی ودرسی اکتفا نمی شود چرا که اهداف به تنهایی نمی توانند منجر به نتایج پایدار وقابل اعتماد شوند .

ارتقای مستمر کیفیت مشارکت همه ی مدیران ، معلمان ، کارشناسان ، متخصصان ، دانش آموزان و والدین آنها را برای ارتقا برنامه ی درسی وآموزشی مدرسه با تاکید بررضایت دانش آموزان مورد توجه قرار می دهد به عبارت دیگر ارتقای مستمر کیفیت برمشارکت همه ی عوامل دست اندرکار ، برای جلب رضایت دانش آموزان ، تاکید برتحول وتغییر در شناخت ، نگرش فردی وجمعی همه ی کارکنان مدرسه به طور مستمر وتوجه به تکنولوژی در فرایند برنامه های مدرسه تاکید دارد . دریک مفهوم کلان ، ارتقای مستمر کیفیت شامل ایجاد زیر ساخت مناسب وتیم های ارتقا برای ارتقای فرایند ها است.

آشنایی مدیران با روش ها ، ابزارها ومدل ها و بهره مندی از آن ها به طور عملی مورد انتظار است.

از آنجایی که مدیریت کیفیت ، حرکتی است از بالا به پایین لذا مدیران باید قبل از کارکنان آموزش ببینند وبااین روش ها ،ابزار ومدلهاآشنا شوندچرا که اگر مدیران شخصا" درگیر فرایند ارتقا نشوند ولو همه ی معلمان و کارکنان تحت نظر آنها در فعالیت های ارتقا مشارکت کنند، کار به جایی نخواهد رسید .

مشارکت همگانی درمدرسه

مشارکت که از آن به عنوان دخالت در فرایند تصمیم گیری ها وت صمیم سازی ها یادشده است موجب افزایش بهره وری در کار ، یگانگی وافزایش اعتماد افراد به یکدیگر می شود .

مدیریت کیفیت جامع فقط نمی تواند به قابلیت وتوانایی مدیران متکی باشد بلکه به مشارکت افراد وکارگروهی واستفاده از خرد جمعی برای بهینه سازی فرهنگ سازمانی مدرسه تاکید دارد ، جو سازمانی دوستانه ، حسن مناسبات وارتباطات بین نیروهای انسانی ، شناخـت و اعتماد مدیراز گروه وکارگروهی می تواند زمینه ساز و فراهم آورنده ی آموزش وپرورش با نشاط وموثر در مدرسه باشد .

مدیران مدارس باید مهارت کار گروهی در مدرسه را فراگیرند وبرای ایجاد محیطی مشارکت پذیر نگرش خود رانسبت به سازماندهی کارها تغییر دهند چراکه در کار گروهی می توان از خرد ، هوش وابتکار همه ی کارکنان بهره مند شد .

آنچه که دانستن آن می تواند راهگشا باشد روشهای فعال شدن کار گروهی درمدرسه است که می توان به نام گذاری گروه ، درک اعضای گروه از سوی رهبر گروه ، توجه به نیازهای مادی ومعنوی آنان ، محبت وصداقت ورزیدن به آنان ، عدم شتاب دررسیدن به نتیجه ، برداشتن گامهای آهسته ولی پیوسته ، اداره ی خودب وفعال جلسات گروه اشاره کرد .

چگونگی فرایند حرکت

در مدیریت کیفیت جامع تغییر دائمی در روش مورد نظر است بطوری که این حرکت آهسته ولی پیوست باشد وزمانی این حرکت به نتیجه می رسد که مدیر در اجرای آن مشارکت فعال وموثر داشته باشد .

مدیر موفق کسی است که قبل از اجرای کار زمینه را برای آن آماده کند برای زمینه سازی توجه به موارد زیر ضروری است : تغییر دادن عادت های قدیمی ، حاکم کردن تفکر سیستمیک ( توجه به کل نه به جزء ) صبور بودن ، به منافع درازمدت اندیشیدن ، ازبین بردن ترس بعنوان منابع تغییر ، حمایت کامل و جدی رهبر مدرسه و منطقه آموزشی ، تهیه برنامه استراتژیک وراهبردی درمدرسه ، گسترش رویکرد مشارکتی در مدرسه وجایگزین کردن برنامه محوری به جای موضوع محوری .علاوه برموارد فوق می بایست به نکات کلیدی دیگری در فرایند حرکت مدیریت کیفیت جامع توجه نمود از آن جمله می توان به مشارکت مدیر مدرسه بعنوان یکی از مهمترین عوامل دست اندر کار حرکت ، بالابردن وگسترش آگاهی کلیه کارکنان از موضوع ، ایجاد تغییر در نگرش کارکنان وبالا بردن مهارت های آن ها اشاره کرد پس از زمینه سازی نوبت به تهیه برنامه ی اجرایی بهبود مدرسه می رسد ابتدابه مطالعه موقعیتی که در آن قرار داریم می پردازیم در این مرحله ترسیم چشم انداز - ماموریت رسالت مدرسه ، چالش ها و نهایتا" موقعیتی که می خواهیم به آن برسیم را مورد توجه قرار می دهیم به عبارت دیگر وضعیت موجود مدرسه ووضعیت مطلوب مدرسه شناسایی می گردد .

در مرحله دوم از طریق ابزارهای مختلف به شناسایی مشکلات پرداخته و فاصله ی بین وضعیت موجود ومطلوب را مشخص می نماییم در مرحله سوم به شناسایی ، انتخاب وتحلیل فرایندهای مدرسه برای بهبود وارتقای فرایندها می پردازیم در ادامه استراتژی های بهبود مدرسه را تعیین می کنیم درمرحله پنجم برای بهبود مدرسه برنامه ریزی می کنیم این برنامه ریزی شامل زمان بندی پروژه ها وفعالیت ها ، اولویت گذاری ، سازماندهی و بسیج منابع وامکانات برای هرچه بهتر انجام شدن برنامه ها و... است در مراحل بعدی به اجرا برنامه های اجرایی و تفصیلی ، ارزیابی در حین اجرای برنامه ها ونهایتا" اقدام برای برنامه ریزی مجدد و دوره ی بعدی می پردازیم .

ویژگی های مدیر مدرسه کیفی جامع

پس از مشخص کردن هدفهای میانی وسالانه مدرسه نوبت به سازماندهی می رسد برای اینکار کمیته ای تحت عنوان کمیته مدیریت کیفیت جامع در مدرسه تشکیل می شود که وظیفه ی آن هدایت و اشاعه ی مدیریت کیفیت جامع است مدیر مدرسه به عنوان متولی اصلی فرایند بهبود در مدرسه می بایست بعنوان رییس این کمیته شخصا" فعالیت را در دست گیرد مدیر مدرسه باید دارای ویژگی های زیر باشد.

1- تلاش ، فداکاری ووقت گذاری برای کار

2- تلاش مستمر در جهت افزایش هوش و ذکاوت خود داشتن

3- بخشندگی نسبت به دیگران وسخت گیری نسبت به خود داشتن

4- با غلبه برنفس خود ، فاتح دیگران شدن

5- نمونه بودن درفضیلت و عادت های پسندیده داشتن

6- روحیه ی مشارکت داشتن

7- برای اندیشه دیگران ارزش قائل شدن

8- دادن آزادی خطر پذیری به نیروهای کاراندیشگر واندیشمند

9- نظارت هوشمندانه داشتن

10- احساس فداکاری شدید داشتن

11- حضور بیشتر در کنار کارکنان داشتن

12- شخصیت دادن به کارکنان

13- کمک به دیگران تاخودشان کار را انجام دهند

14- تشویق همکاران به استفاده از فکر خودشان

15-توانایی سرمایه گذاری در انتقال فن آوری اطلاعات

16- روحیه نوآوری داشتن وتغییرات منطقی را پذیرفتن

17-اندیشه های کارکنان را بارورساختن ومشارکت دادن آنها در برنامه ریزی

18- به ارتقای مستمر کیفیت اندیشیدن

19- بینشی مبتنی برجامعیت کار داشتن

سخن پایانی ( نتیجه گیری )

با رشد و پیشرفت تکنولوژی وفن آوری اطلاعات ، جامعه انسانی دگرگون شده وبسرعت دچار تغییر می شود این تغییرات خود به خود نیازهای جدید را نیز بوجود می آورد دست اندرکاران تعلیم وتربیت می بایست همزمان با این تغییرات برنامه ریزی نمایند و خود نیز ضمن کسب اطلاعات و آگاهی های جدید به روش های مناسب ونوین آموزشی و پرورشی مجهز شوند یکی از مواردی که در امر آموزش و تربیت دانش آموزان نقش اساسی دارد فراهم آوردن وسایل و امکانات سخت افزاری ونرم افزاری است اما در زمان های مختلف دیدگاه های افراد صاحب نظر متفاوت بوده است عده ای در مدیریت آموزش وپرورش ریشه بسیاری از مشکلات و حتی راه حل های آن را در ورودی های سیستم مدرسه می جویند به عبارت دیگر امکانات سخت افزاری را مهمتر قلمداد می کنند و معتقدند که اگر ظرفیت های ورودی مدرسه از قبیل منابع مالی ، فیزیکی و پول افزایش یابد می توان همه تنگناها و مشکلات مدرسه را حل کرد عده دیگری هم براین باورند که گرچه ورودی های سیستم مدرسه و منابع مالی و فیزیکی